

ایستاده ایم

ما آن درخت نیست کهن سالم
روشنیده روز صغره ما خارتان

باز غم تیره

خزیدی تو مان

بر رویه می تپد و خود ایستاده ایم

در گشت سال

قد بر کشیده

بگفت و گل رسیده، داده ایم

کهن

ای نهال که

در آن بهار تازه که از راه ما رسید

ما را اگر به باد نیاید

گوشنده مان، چاک سیارید

ما یک صفت

جان

جان جوان نیز سزا پر جوانه تر

او از زمان بلند تر و صفا دانه تر!

+ + +

۹۹
لندن نوامبر ۹۹